



DOI:10.22124/jol.2021.11380.1581

DOR:20.1001.1.23222328.1400.1.1.2.0



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۵۲-۲۷)

رهیافت مدیریت ریسک جرم و جلوه‌های آن در نظام عدالت کیفری ایران

جلال‌الدین حسانی^۱

دکتر سید محمود میر خلیلی^۲

دکتر محمد رضا نظری نژاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۸

چکیده

بزه‌کاری پدیده‌ای طبیعی در جامعه بوده و یکی از رهیافت‌های در دسترس در برابر این پدیده، رویکرد مدیریت ریسک جرم است. در این رویکرد با بهره‌گیری از دستاوردهای عدالت سنجشی و استفاده از آمار جنایی، میزان ریسک هر یک از دسته‌های بزه‌کاری ارزیابی و بزه‌کاران پریسک با پاسخ‌های شدیدتر و بزه‌کاران کم‌ریسک با پاسخ‌های نرم‌تر مواجه می‌شوند. نمونه‌های آشکاری از این رهیافت در رویکردهای نظام عدالت کیفری ایران به چشم می‌خورد. درجه‌بندی و تعیین مجازات‌های تعزیری، منع پیاده‌سازی نهادهای کیفری ارفاقی درباره برخی از جرایم و نیز صدور حکم به مجازات تعزیری در صورت عدم اجرای قصاص نمونه‌هایی از رویکرد نظام کیفری ایران به نظریه مدیریت ریسک جرم است. افزون بر این، قرارهای تأمین کیفری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری و ... نیز مهم‌ترین بسترهای پیاده‌سازی رویکرد مدیریت ریسک جرم از سوی نظام دادرسی کیفری ایران است. با توجه به این نمونه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که رهیافت مدیریت ریسک جرم آشکارا از سوی نظام عدالت کیفری ایران پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک جرم، بزه‌کاری، نظام عدالت کیفری، عدالت سنجشی، ریسک، قانون

مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

✉ hassanijalal@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

در آغاز هزاره سوم میلادی، پیشرفت‌های شتابان انسان در صنعت و فناوری‌های گوناگون اطلاعات و ارتباطات، باوجود مزایای گوناگون چالش‌های بسیاری را برای زندگی انسانی پدید آورده است. سرعت بالای این پیشرفت و تغییرات موجب بروز پیامدهای منفی بسیاری در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... شده است. یکی از این پیامدهای ناخوشایند نیز پدیده جهانی شدن بزه‌کاری است که امروزه بیش از پیش دامنه تهدیدات آن برای انسان آشکار می‌شود.

از همین‌رو شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم‌شناختی معیارهای به‌زامداری و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود. در واقع، در هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند. (Piquero, 2016: 16) بنابراین پیش‌بینی مناسب‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها در برابر بزه‌کاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است.

با گذشت چهار هزار سال از عمر حقوق کیفری، مهم‌ترین ویژگی و نیز کارکرد آن سرکوبی گونه‌های بزه‌کاری بوده که بسته به ماهیت خود، آسیب‌های گوناگونی را بر جوامع انسانی وارد آورده است. مجازات یا سزادهی بزه‌کاران ابزاری بوده است که به وسیله آن، انسجام اجتماعی از دست‌رفته به دنبال جرم، به جای خود باز می‌گشته است. در این راستا باید دانست اگرچه سه دهه گذشته شاهد دور شدن فزاینده از شیوه‌های کنترل جرم و عدالت کیفری نسبت به سده بیستم میلادی بوده است (Garland, 2001: 3) با این حال حاکمیت‌ها همواره کوشیده‌اند تا مناسب‌ترین و روزآمدترین راهبردها را برای کنترل جرم و پیامدهای گوناگون آن بیازمایند.

نظام عدالت کیفری به زبان ساده به مفهوم سازه‌ای از نظام اجتماعی و پدیدآمده از کنشگرانی است که در پرتو اصل حاکمیت قانون در برابر پدیده مجرمانه رسالت‌هایی را بر دوش داشته و به‌ویژه باید به مدیریت کیفری جامعه بپردازد. در این راستا، لازم است که مناسب‌ترین امکانات جامعه برای کاستن از دامنه پیامدهای بزه‌کاری شناسایی و استفاده شود. برای نمونه، باوجود آن که امروزه سیاست کاهش جمعیت کیفری زندانیان یکی از اولویت‌های کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران است. (پورمحمی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳)، اما آمیزش نظریه و تجربه در نظام‌های کیفری نشان می‌دهد که زندان دست‌کم از جهت ناتوان ساختن محکوم از دست‌اندازی دوباره به جامعه، پاسخی قابل دفاع در برابر جرایم او به‌شمار می‌رود.

با آن که رهیافت اصلاح و بازپروری بزه‌کاران به‌عنوان اولین رهیافت جرم‌شناسی در گستره قابل توجهی از کشورهای جهان پیاده شد، اما تحولات جوامع در پایان سده بیستم و آغاز هزاره سوم میلادی شماری از نظام‌های کیفری را به پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم واداشت. آن‌گونه که بر پایه آموزه‌های عدالت سنجشی دیگر رسالت نظام کیفری بازپروری بزه‌کار و یا بازگرداندن او به زندگی متعارف نیست. بلکه آنچه در اینجا اهمیت دارد، مدیریت کنش‌ها و در امان نگاه‌داشتن جامعه از گرایش‌های ستیزه‌جویانه او با استفاده از رویکردهای طرد و خنثی‌کنندگی است.

لازم است خاطرنشان شود که مدیریت ریسک جرم همانند بسیاری از نظام‌های کیفری ملی و فراملی در سرتاسر جهان، در زرادخانه کیفری کشورمان نیز به چشم می‌خورد. باتوجه به آن که این باور وجود دارد که در حال حاضر راهبرد غالب حقوق کیفری ایران راهبرد طرد، خنثی‌سازی و نظارت شدید است که در قالب کنترل ریسک قرار می‌گیرد، (نوبهار، صیقل، ۱۳۹۶: ۲۰۹) باید این رهیافت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و آشکارترین رهیافت‌های کاربردی نظام عدالت کیفری ایران از جلوه‌های گوناگون مطالعه شود.

این رهیافت خود مبانی نظری قابل توجهی داشته و در عمل نیز در شماری از نهادهای کیفری چهره یافته است. از همین‌رو این پژوهش بر آن است که بدین پرسش پاسخ دهد که رهیافت مدیریت ریسک جرم چیست و چگونه در نظام عدالت کیفری ایران بازتاب یافته است؟ بنابراین پس از تعریف کوتاه رهیافت یادشده، مهم‌ترین جلوه‌های آن در رژیم کیفری کشورمان نیز بررسی می‌شوند. در همین راستا، این پژوهش در بخش اول خود به مفهوم‌شناسی رهیافت مدیریت ریسک جرم و در بخش دوم به مطالعه جلوه‌های رهیافت شده در نظام عدالت کیفری ایران پرداخته است. این جلوه‌ها در چارچوب دو گونه حقوق کیفری ماهوی و شکلی بررسی شده‌اند. در واقع، در این نوشتار جلوه‌های مدیریت ریسک جرم از یک سو در قانون مجازات اسلامی و از سوی دیگر در قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین شکلی بررسی شده است تا از این راه به‌طور کلی جایگاه رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام عدالت کیفری ایران دانسته شود.

۱. مدیریت ریسک جرم

برای آن که بتوان جایگاه نظریه مدیریت ریسک جرم را در نظام عدالت کیفری ایران دریافت، لازم است که در آغاز مفهوم‌شناسی فراگیری از آن ارائه شود.

۱.۱. مفهوم ریسک جرم

مفهوم ریسک یا خطر در شمار دانش-واژگان مهم و پرکاربرد در برخی از شاخه‌های علوم انسانی است. تاکنون تعاریف گوناگونی از این دانش-واژه به دست آمده است. از همین رو برای آن که بتوان در این نوشتار مدیریت ریسک را در نظام عدالت کیفری ایران تبیین کرد، لازم است که در آغاز هر چند به گونه‌ای فشرده به مفهوم‌شناسی ریسک در قلمرو کارکردی نظام عدالت کیفری پرداخت. کامیابی در این روند می‌تواند مطالعه مفهوم مدیریت ریسک جرم را تسهیل کند.

در نظام عدالت کیفری این تفاوت در تعریف ریسک بر چگونگی تعاریف و ارزیابی‌های گروه‌های کنشگر از آن اثر می‌گذارد. (Kemshall, 11:2008) از همین رو روشن است که برای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در هر یک از قلمروهای زندگی فردی و اجتماعی، شفاف‌سازی این مفهوم و در نتیجه ابتدای مفهوم مدیریت ریسک بر آن دارای اهمیت فراوان است. آنچه این برداشت را تقویت می‌کند، پیچیدگی مفهوم جرم است که امروزه جرم را به معنایی برای سامانه‌های عدالت کیفری تبدیل کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد که شفاف کردن مفهوم ریسک جرم و به دنبال آن رهیافت مدیریت ریسک، اولین گام نظام عدالت کیفری برای پیاده‌سازی این رویکرد بسیار مهم و اثرگذار است.

بی‌گمان مفهوم ریسک همراه با ضرورت پیش‌بینی احتمال تحقق آن در آینده و چاره‌اندیشی برای دستیابی به مهم‌ترین و مناسب‌ترین راهبردهای مقابله با آن است. به عبارت دیگر، شناسایی ریسک‌های موجود در هر یک از بخش‌های جامعه، رسالت بنیادین کوشش برای مدیریت آن ریسک‌ها را بر دوش دست‌اندرکاران آن بخش‌ها قرار می‌دهد که در این مقاله از چشم‌انداز کارکردهای نظام عدالت کیفری بدان نگریده شده است.

پس از مطالعه مفهوم ریسک، ارزیابی مفهوم ریسک جرم نیز امکان‌پذیر است. در این باره باید پذیرفت که هر یک از گونه‌های جرایم دارای مقداری ریسک برای جامعه هستند و همه سیاست-گذاری‌های آتی درباره جرایم باید بر پایه این ریسک انجام شود. به عبارت دیگر، پاسخ‌های کنشگران نظام عدالت کیفری در برابر گونه‌های جرم باید بر پایه ریسک استنباط‌شده از جرایم سازماندهی شود.

برای آن که بتوان از یک سو به‌طور دقیق به ریسک هر یک از گونه‌های جرایم دست یافت و از سوی دیگر، سیاست‌های روزآمد و دقیقی را درباره آنها پیاده ساخت، لازم است که با ابزارهای آماری به گونه‌ای درست و معقول، میزان ریسک برخاسته از هر یک از گونه‌های جرایم را ارزیابی کرد و پس از آن، پاسخ‌های متناسبی را در برابر آنها پیاده نمود.

وجود ریسک ناشی از جرم را باید واقعیتی آشکار در جامعه دانست که خود رسالت‌های مهمی را برای کنشگران نظام کیفری پدید می‌آورد. در این راستا باید به خاطر داشت که اگرچه ممکن است خطرها حذف نشوند، اما باید در سطح معقولی نگاه داشته شوند. بنابراین در نظام عدالت کیفری همانند تغییرات آب و هوایی، واژه خطر یا ریسک به‌عنوان نشانه یک آرمان برای قانون‌گذاری به جای حذف چالش‌هایی که خود جامعه مدرن آنها را آفریده است، گفته می‌شود. (ابرین و یار، ۱۳۹۴: ۱۳۶) از همین رو در بخش دوم این مقاله خواهیم دید که قانون‌گذار ایران تا چه اندازه در نهادهای کیفری خود در هر یک از قلمروهای حقوق کیفری ماهوی و نیز شکلی به این ریسک‌ها توجه کرده است.

۱.۲. مفهوم‌شناسی مدیریت ریسک جرم

مدیریت ریسک جرم به زبان ساده به مفهوم استفاده از مناسب‌ترین و به‌صرفه‌ترین رویکردها برای کاستن از زیان‌های ناشی از جرم برای جامعه است که از راه متناسب ساختن شدت واکنش‌های درپیش‌گرفته شده از سوی نظام کیفری در برابر کنش‌های مجرمانه با میزان ریسک آنها برای جامعه سازمان داده می‌شود. باید خاطر نشان شود که سده‌ها پیش از نظریه‌مند نمودن این رهیافت در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی غربی، کتاب آسمانی قرآن کریم نیز گونه‌ای آشکار از آن را بیان نموده است. عبارت «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» که در بیان ویژگی میان-کنش‌های مؤمنین با یکدیگر بیان شده است، نشان‌دهنده این مفهوم است که در شریعت مقدس الهی، چگونگی سازماندهی روابط اجتماعی مؤمنان پیوندهای نزدیکی با ریسک دریافت‌شده از دیگران دارد.

افزون بر این و از دیدگاه تاریخ تحولات حقوق کیفری نیز باید دانست که برخی از مکاتب جرم-شناختی آشکارا بر میزان ریسک دریافت‌شده از سوی مرتکب و دخیل نمودن آن در واکنش‌های کیفری جامعه پافشاری کرده‌اند. همچنین اصل تناسب جرم و مجازات نیز در شمار اصول بنیادین حقوق کیفری است که بر تناسب شدت جرم و شدت مجازات تأکید دارد. از این دیدگاه، شدت هر جرم آن اندازه از ریسک را برای جامعه پدید می‌آورد که تنها در صورت اعمال مجازاتی متناسب با آن می‌توان بر این باور بود که عدالت رعایت شده است.

همچنین باید دانست که برای مدیریت ریسک جرم باید ارزیابی کنش‌های گوناگون بزه‌کاران را در راستای واقعیت بخشیدن به قصد مجرمانه آنها در نظر داشت. زیرا جامعه‌شناسی مجازات به‌عنوان یکی از شاخه‌های بارور علوم جنایی که در روزگار ما تحلیلی‌تر شده است، به تعیین مرتکبان جرم و نیز کنش‌های مجرمانه آنها بسیار گرایش نشان می‌دهد تا از این راه، علایق، محرک‌ها و فرصت‌هایی را که سبب وقوع جرم از سوی آنها می‌شود شناسایی کند. (Garland,

2017:12) این ارزیابی هر اندازه ریزبینانه‌تر و واقعی‌تر باشد، امکان متناسب‌سازی پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی نظام عدالت کیفری را در برابر جرایم ارتكابی بیشتر محقق می‌سازد. در این راستا باید خاطرنشان شود که منظور از مدیریت ریسک جرم، تمرکز روی مجرمین و حالت خطرناکی است که می‌تواند بر اساس سنجه‌ها و معیارهای مدنظر جرم‌شناسان در احصا، طبقه‌بندی یا کنترل ایشان مدنظر قرار گیرد. (دارابی، ۱۳۹۷:۱۶۴) در اینجا باید اشاره شود که به‌طور کلی مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی ارتباط ویژه‌ای با مفهوم جرم‌شناختی خطر دارد و به عبارت دیگر، مجرمان افراد خطرناکی هستند که ریسک‌های غیرقابل قبول به شمار می‌آیند. (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸:۳۱) از همین رو نظام عدالت کیفری باید در راستای رسالت بنیادین خود از یک سو به جرایم پیشین آنان پاسخی درخور دهد و از سوی دیگر با توجه به ریسک بزه‌کاری احتمالی و آتی آنان، راهکارهای مناسبی را برای مدیریت و به حداقل رساندن این خطرات در پیش گیرد. در بخش دوم این مقاله به چگونگی انجام این روند در کشورمان پرداخته شده است.

۳.۱. چشم‌انداز جرم‌شناختی مدیریت ریسک جرم

رهیافت مدیریت ریسک جرم از دیدگاه‌های گوناگون سزاوار بررسی است. از چشم‌انداز جرم‌شناختی، رویکردهای نظری و عملی ویژه‌ای زمینه‌ساز پیدایش و باروری این گرایش در علوم جنایی بوده‌اند. بنابراین مطالعه فراگیر رهیافت مدیریت ریسک جرم، مستلزم شناسایی رویکردهای یادشده است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

مفهوم عدالت سنجشی، تخمینی یا آماری رهیافتی است که با توجه به ضرورت اندازه‌گیری روندهای مجرمانه جهت سنجش و ارزیابی مهم‌ترین پاسخ‌های عملی و سیاستی در برابر آن پدید آمده است. در این راستا، دیگر کاربرد آموزه‌های جرم‌شناسی بالینی در برابر بزه‌کاران اهمیتی ندارد. جرم‌شناسان و دست‌اندرکاران سیاست‌های اجرایی با توسل به راهبردهای آماری، خود را به دانستنی‌هایی سودمند و روزآمد برای مبارزه با بزه‌کاری مسلح می‌کنند تا از این راه بتوانند تا آنجا که ممکن است شهروندان و جامعه را در برابر امواج بزه‌کاری ایمن نگاه دارند. به عبارت دیگر، در این رهیافت دیگر مدت مجازات با توجه به شدت جرم و نیازهای اصلاحی مجرم آن گونه که توسط قضات و کارشناسان ارزیابی شده، تعیین نمی‌گردد. بلکه مدت مجازات یا به‌طور کلی مدیریت، کنترل و نظارت می‌بایست با میزان ریسک و خطرناکی بزه‌کار تناسب داشته باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸:۷۲۴) افزون بر این باید به خاطر داشت که به دلایلی مانند تشدید فشارهای ناشی از وقفه و انسداد به‌دلیل ناکارایی نظام‌های قضایی در کنترل جرم و جلب اعتماد عمومی، افزایش آمار جرم و ترس از جرم و...، الگوی مدیریت‌گرایی بر نظام عدالت کیفری حاکم گردیده



است. (قاسمی کهریزسنگی، فرجیها، ۱۳۹۴: ۳۱) از همین رو بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم، نظام کیفری به جای آن که درصدد کمال بزه‌کار و اصلاح باشد، به دنبال کاستن از میزان مخاطرات احتمالی او برای جامعه است.

برای آن که بتوان رهیافت مدیریت ریسک جرم را در علوم جنایی و به‌ویژه دانش جرم‌شناسی مطالعه کرد، لازم است که در آغاز مفهوم ریسک را در معنای عام و نیز در رویکردهای نظام عدالت کیفری بررسی نمود. در جرم‌شناسی، ریسک به احتمال ورود آسیب، نقش سنجش یا ارزیابی آن در تصمیم‌گیری درباره این که چه اقدامات کیفری باید انجام شود و نیز نقش آن در تصمیم‌گیری-های عدالت کیفری اشاره دارد. (Munchi, 2013: 388) همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد، برخی از مکاتب کیفری به شناسایی و اندازه‌گیری ریسک برخاسته از بزه‌کاران در پیاده‌سازی پاسخ‌های آتی به آنها پیشگام بوده‌اند. همزمان با پیدایش جرم‌شناسی علمی و گذر از آموزه‌های مکتب کلاسیک، پیشگامان مکتب تحقیقی به اندازه‌گیری و به عبارت بهتر سنجش ریسک بزه‌کار در آینده توجه ویژه‌ای نشان دادند. مفهوم جرم‌شناختی حالت خطرناک که از آورده‌های درخشان این مکتب است، بر ریسک احتمالی بزه‌کاری‌های آتی مرتکب تمرکز دارد.

همان‌گونه که مدیریت بزه‌کاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است، مدیریت ریسک‌های نهادینه‌شده در جامعه نیز که به دنبال جرایم گوناگون و یا در پیوند با آنها پدید می‌آیند، بر دوش دست‌اندرکاران نظام پیش‌گفته است. بنابراین در پرتو اندیشه به-زامداری (حکمرانی مطلوب) از نظام‌های عدالت کیفری انتظار می‌رود که اثرگذارترین رویکردها را برای مدیریت ریسک‌های پیش‌گفته در نظر گیرند.

تحولات یادشده، گفتمان امنیت‌مدار حقوق کیفری را در هر یک از چشم‌اندازهای نظری و عملی آن پررنگ نموده است. تمسک به راهبردهای حقوق کیفری امنیت‌مدار بر پایه یافته‌های علمی و آماری استوار است که عمده علل آن می‌تواند شکست سیاست اصلاح و درمان، تحولات کمی و کیفی بزه‌کاری و برجسته نمودن نقش سیاست‌مداران و گفتمان‌های سیاسی در مقابله با جرم باشد. (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۳۸) از همین رو دیده می‌شود که کوشش رژیم‌های کیفری بر مهار خطرات محاسبه‌شده از بزه‌کاران در پرتو یافته‌های عدالت سنجشی تمرکز دارد. در سیاست کیفری با این رویکرد، مرتکبین خطرناک با کیفرهای توان‌گیر و حبس‌های بلند مدت خنثی‌کننده از جامعه طرد می‌شوند. در مقابل مجرمان کم‌خطر با بخش نرم و انعطاف‌پذیر عدالت کیفری روبه‌رو می‌شوند. (نجفی ابرند آبادی و ایارگر، ۱۳۹۳: ۹) تفاوت پاسخ‌های نظام کیفری در برابر این دسته‌های متفاوت از بزه‌کاران بر پایه میزان ریسکی است که با استفاده از پیاده‌سازی راهبردهای ریسک‌مدار و برخاسته از عدالت سنجشی ارزیابی شده است.

در دوران ما نیز توجه به مفهوم ریسک جرم به پیدایش رژیم‌های شدت‌گرای کیفری انجامیده است. به‌طور کلی، هنگامی که از دسته‌های خاصی از بزه‌کاران و یا بزه‌کاری‌ها با نام دسته‌های با ریسک بالای بزه‌کاری یاد می‌شود، باید پیاده‌سازی رهیافت‌های افتراقی شدت‌گرایی را در برابر آنان انتظار کشید. در واقع، باید به یاد داشت که سیاست بازپروری سیاستی اولیه در خصوص مجرمین کم‌خطر و سیاست ناتوان‌سازی سیاستی در خصوص مجرمین خطرناک است. (شمس ناتری و مصطفی پور، ۱۳۹۶: ۱۱۵)

از همین‌رو این اندیشه خود به رهیافت‌های شناخته‌شده‌ای در علوم جنایی غربی همانند سیاست آمریکایی جنگ با ترور و نیز نظریه آلمانی جنگ با دشمنان انجامیده است که در آنها، برچیدن ریسک احتمالی بزه‌کاران پرریسک یادشده در کمترین زمان ممکن و حتی با رویگردانی از اصول بنیادین حقوق کیفری همانند اصل برائت و نیز کمینه‌های یادشده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر در کانون سیاست‌های جاری کشورهای پیشرو در این‌باره قرار گرفته است. در واقع، جرم و مجرم در رویکرد جدید، حاکی از نابهنجار بودن عمل و ناسازگاری فرد با جامعه نیست. بلکه از آنجا که حمایت از جامعه و اعضای آن - یعنی امنیت عمومی - در اولویت قرار می‌گیرد، جرم و مجرم به عنوان خطر و عضو یک گروه خطرناک باید کنترل شوند تا جامعه تا حد امکان در برابر ناامنی ناشی از آنها مصون شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۷۲۱) این رویکرد در نظام‌های قانون‌گذاری آثار نمایانی را برجای گذاشته است. چنان که قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری کشورمان نیز در مواردی و افزون بر دیگر گفتمان‌های پذیرفته‌شده در آنها، این رویکرد را در برخی از نهادهای کیفری یادشده در خود پذیرفته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۴.۱. راهبردهای مدیریت ریسک جرم

پس از آشنایی با مفهوم مدیریت ریسک جرم و بایسته‌های آن، اینک لازم است که مهم‌ترین راهبردهای پیاده‌سازی مدیریت ریسک جرم نیز مطالعه شوند. استفاده از روش‌های آماری بنیادی-ترین راهبرد پیش‌گفته است که به تشریح آن پرداخته می‌شود. یکی از شناخته‌شده‌ترین راهبردهای لازم برای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم، بهره‌گیری از روش‌های آماری است. آمارهای جرم در مطالعات جرم‌شناسی و عدالت کیفری بسیار ضروری هستند. تولید، کاربرد، سوءاستفاده، کژکارکرد و یا بیهودگی آمارهای جرم، مدت‌های طولانی موضوع گفتمان‌های انتقادی بوده است. (Hill, 2014: 147) امروزه در بسیاری از کارکردهای اجزاء گوناگون نظام‌های عدالت کیفری، بهره‌گیری از روش‌های آماری آشکارا به چشم می‌خورد. در واقع بسیاری از مهم‌ترین پرسش‌ها در جرم‌شناسی جنبه آماری داشته و هنوز نیز همین‌گونه

است. (Mork Lomell, 2010: 118) با توجه به این واقعیت می‌توان بر این باور بود که رهیافت مدیریت ریسک جرم از امکان گسترده‌ای برای پیاده‌سازی در سطوح گوناگون جامعه برخوردار است. برای ارزیابی خطر جرایم و یا بزه‌کاران برای جامعه باید به شدت جرایم ارتكابی و یا کمیت آنها در بازه‌های زمانی و مکانی خاص پرداخت که این امر نیز تنها در پرتو بهره‌گیری از راهبردهای آماری نسبت به آنها تحقق می‌یابد.

استفاده از روش‌های آماری در پژوهش‌های جرم‌شناسی به سال‌های پایانی سده نوزدهم میلادی بازمی‌گردد که در شمال فرانسه و بلژیک، میشل گری بلژیکی و آدولف کتله فرانسوی با استفاده از آمارهای گردآوری‌شده درباره دسته‌های گوناگون بزه‌کار در این پهنه از اروپا، کوشیدند تا توجه دست‌اندرکاران سامانه‌های عدالت کیفری را به مناسب‌ترین و کارآمدترین رویکردها برای مدیریت پیامدهای آن جلب کنند.

اگرچه آمارهای بین‌المللی جرم هنوز هم تا اندازه زیادی غیرقابل اتکا است و اختلافات زیادی میان کشورهای مختلف و انواع گوناگون جرایم وجود دارد، نمی‌توان انکار کرد که نرخ جرم در آسیا پایین است. بر پایه آمارهایی که در سال ۲۰۱۰ میلادی در کنفرانس مدیران اقدامات اصلاحی در آسیا و اقیانوس آرام گزارش شد، نرخ زندان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در کره جنوبی ۹۷/۹، در ژاپن ۵۸/۴ و در چین ۱۲۶/۲ بوده است. به گفته دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، نرخ زندان در ایالات متحده ۷۵۶ نفر در هر هزار نفر و در بریتانیا ۱۵۲/۳۰ نفر بوده است. این تفاوت بیان می‌کند که تبیین‌های رشد جرم در طول دوره مدرنیته کردن جامعه و صنعتی شدن در اروپا ممکن است در آسیا قابل اعمال نباشد.

در مقابل برخی از جرم‌شناسان گفته‌اند که باید به تبیین الگوهای جرم از طریق نهادهای اجتماعی متمایز و ارزش‌های فرهنگی که در کشورهای مختلف وجود دارند، روی آورده شود. (Travers, 2017: 33) در این راستا، آمارهای گوناگون به دست‌آمده از لایه‌های مختلف کنشگری انسان در جامعه، سطوح متفاوتی را از پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم اقتضا می‌کنند که ممکن است همانند گزاره پیشین، در قاره‌های گوناگون جهان یکسان نباشد.

آمارهای جنایی کنشگران نظام عدالت کیفری و عموم شهروندان را در راستای رهیافت مدیریت ریسک جرم به سوی پاسخ‌هایی عینی هدایت می‌کنند. در واقع، نظام‌های کدگذاری و نشانه‌گذاری اموال یا اشخاص به طور گسترده قابلیت تعقیب اموال یا بزه‌کاران را فراهم می‌کنند. اگرچه پیشرفت‌های پدیدآمده در فناوری و صنعت، به راهبردهایی منجر شده‌اند که شیوه‌های نوینی را برای ساده‌سازی فرآیند یادشده در دسترس گذاشته‌اند. (Hinsley et al, 2016: 91) بنابراین آشکار است که رهیافت مدیریت ریسک جرم به ویژه با توجه به دگردیسی-

های جرایم و توانمندتر شدن بزه‌کاران به موازات پیشرفت‌های گوناگون جوامع بشری، بیش از پیش مشروعیت خود را در میان افکار عمومی و نیز دست‌اندرکاران نظام‌های عدالت کیفری در سرتاسر جهان باز یافته است. در نتیجه، از آنجا که اصل مصلحت که امنیت را بر آزادی‌های فردی برتر می‌شمارد، عموماً در بستر سیاست جنایی قدرت مدار به رسمیت شناخته شده و از این رهگذر زمینه برای گسترده کردن و در واقع پایان ناپذیر ساختن پهنه جرم‌انگاری فراهم می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۴: ۲۵۵). نظام عدالت کیفری باید با بهره‌گیری از راهبردهایی همچون پژوهش آماری در عوامل ریسک جرم و ... به جرم‌انگاری شدیدترین کنش‌های جامعه‌سستیزانه در جامعه در پرتو رهیافت مدیریت ریسک جرم و در مقابل، استفاده از شیوه‌های نرم‌تر برای بزه‌کاران کم‌ریسک دست بزند.

۲. جلوه‌های رهیافت مدیریت ریسک جرم در سیاست جنایی ایران

رهیافت مدیریت ریسک جرم جلوه‌های آشکاری در نظام عدالت کیفری ایران دارد. از همین رو در ادامه، برخی از مهم‌ترین جلوه‌های رهیافت یادشده به‌گونه‌ای فشرده بررسی می‌شود.

۲.۱. قانون مجازات اسلامی

این قانون دربردارنده نهادهایی کیفری است که آشکارا رهیافت مدیریت ریسک جرم را پیاده می‌کنند. مطالعه این نهادها می‌تواند جایگاه رهیافت پیش‌گفته را در نظام عدالت کیفری ایران به خوبی نشان دهد.

۲.۱.۱. درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری

یکی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پیش‌بینی درجات هشت‌گانه مجازات‌های تعزیری است. با آن که منطق این دسته‌بندی چندان روشن نیست، اما می‌توان گفت که قانونگذار کیفری ایران در این روند نوآورانه خود به ریسک برخاسته از جرایمی که مجازات‌های پیش‌گفته را به همراه می‌آورند، توجه داشته است.

برای نمونه، به موجب ماده ۲۳ این قانون، افرادی که به مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ محکوم شده‌اند، نمی‌توانند به مجازات‌های تکمیلی و تبعی محکوم شوند. زیرا صدر این ماده، محکومین به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک را به این گونه از مجازات‌ها محکوم کرده است.

۲.۱.۲. تعیین مجازات تعزیری

قانون‌گذار کیفری ایران به پیروی از فقه امامیه ملاک‌های مشخصی را برای صدور احکام تعزیری بیان نموده است که در ماده ۱۸ آن به چشم می‌خورند. بیان ملاک‌های یادشده و لزوم توجه به آن در هنگام صدور حکم به مجازات تعزیری نشان‌دهنده رویکرد قانونگذار به رهیافت مدیریت ریسک جرم است. در واقع، ارزیابی عینی از مؤلفه‌هایی همانند سوابق و وضعیت فردی مرتکب، شیوه ارتکاب جرم و... در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی سنجشی، دادرسی کیفری را به سوی صدور حکم به مجازاتی متناسب با آن شدت می‌کشاند.

تردید وجود ندارد که اصل تناسب جرم و مجازات نیز نشان‌دهنده ضرورت توجه به رهیافت مدیریت ریسک جرم برای دادرسی کیفری است. در این راستا باید پذیرفت که برای نمونه، در نظر گرفتن سوابق کیفری و غیر کیفری فرد است که او را در مقایسه با دیگر بزه‌کاران با ریسک بیشتر و در نتیجه سزاوار رهیافت‌هایی شدت‌گرایانه‌تر نشان داده است.

۳.۱.۲. منع پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری نسبت به مرتکبان پر ریسک

یکی از آشکارترین جلوه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام عدالت کیفری ایران، ممنوعیت ارفاق‌گرایی کیفری نسبت به آن دسته از بزه‌کارانی است که در شمار گروه‌های پرریسک جای گرفته‌اند. به عبارت دیگر، نهادهای ارفاقی کیفری همانند تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین، نظام نیمه‌آزادی و... که اصولاً به منظور کاستن از پیامدهای ناخوشایند مجازات‌ها پیش‌بینی شده‌اند، برای دسته‌هایی از بزه‌کاران اعمال نمی‌شوند. برای نمونه، ماده ۴۷ ق.م.ا. تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات را در برخی از جرایم با ریسک بالا ممنوع کرده است.

افزون بر این نیز ماده ۱۰۹ این قانون، اعمال نهاد مرور زمان کیفری را نسبت به مرتکبین جرایمی پرریسک همانند جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرایم اقتصادی و نیز جرایم مواد مخدر منع نموده است. با توجه به ماهیت، فلسفه و نیز پیامدهای نهاد مرور زمان کیفری تردیدی وجود ندارد که استثناء یادشده در راستای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم بوده است. چنان که در نهاد تخفیف مجازات نیز می‌توان نشانگان این رهیافت را دید.

به‌طور کلی باید دانست که در راستای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم، نهادهای کیفری قابل اعمال برای مجرمین کم‌ریسک و پر ریسک آشکارا از یکدیگر متمایز شده‌اند. برای نمونه، مجازات‌های اجتماع‌محور نیز، با اهدافی چون بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت بزهکار، مبارزه با افزایش تکرار جرم و کاهش جمعیت کیفری زندان تبدیل به ساز و کاری برای

کنترل بزه‌کاران کم‌خطری می‌شود که به کارگیری اشکال سخت‌تر مجازات در مورد آنان غیر ضروری و پرهزینه محسوب می‌شود. (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۵۷) از همین رو، پذیرش گسترده نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی با توجه به برآیندهای اصلاح‌مدار آنها نشان‌دهنده ضرورت توجه به جداسازی شیوه‌های پاسخ‌دهی در برابر بزه‌کاران کم‌ریسک و پرریسک در پرتو رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام عدالت کیفری ایران است.

۴.۱.۲. تعیین کیفیات مشدده جرایم

برخی از بزه‌کاران در هنگام ارتکاب جرم از راهبردهایی استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده ریسک آنها در مقایسه با بزه‌کارانی است که از آن راهبردها استفاده نکرده‌اند. برای نمونه، قانونگذار کیفری ایران وجود کیفیات زیر پانزده سال بودن بزه‌دیده، ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به او و ارتکاب جرم با استفاده از وسیله نقلیه را در جرم آدم‌ربایی سبب تشدید مجازات مرتکب می‌داند که دلیل آن نیز استنباط ریسک بیشتر از سوی این افراد است.

افزون بر این، ماده ۷۵۳ ق.م.ا نیز پس از جرم‌انگاری برخی از کنش‌های مجازی در تبصره خود مقرر می‌دارد: «چنانچه مرتکب، اعمال یادشده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.» در اینجا نیز قانون‌گذار با الهام از یافته‌های جرم‌شناسی نظری به مفهوم حرفه مجرمانه اشاره نموده و پختگی بزه‌کاران را در زمینه ارتکاب یک جرم به زبان جامعه دانسته و از همین رو، آن را با مجازاتی مشدد نسبت به مرتکبانی که موارد یادشده در این ماده را حرفه خود قرار نداده‌اند، همراه ساخته است. بر پایه آموزه‌های دانش جرم‌شناسی در فزونی ریسک در کنش‌های مجرمان حرفه‌ای در مقایسه با مجرمان اتفاقی تردیدی وجود ندارد.

۵.۱.۲. حبس تعزیری در هنگام سقوط قصاص

قصاص در نظام کیفری کشورمان مجازاتی خصوصی است و به‌طور کامل در اختیار اولیای دم است. وجود تشریفات گوناگون در آن نیز تردیدی در این ویژگی آن به همراه نمی‌آورد. باوجود این، گذشت اولیای دم از حق خود در برابر دریافت دیه و یا بدون آن، مانع از در پیش گرفتن پاسخی ریسک‌مدار از سوی نظام عدالت کیفری ایران نیست.

از همین رو می‌توان گفت که تحمیل ضمانت‌اجرای سالب آزادی پس از رضایت اولیاء دم مقتول خود نشانه بارز پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم است. چرا که از دیدگاه نظام عدالت کیفری، هنوز هم ریسک بزه‌کار برای جامعه فروکش نکرده و از همین رو، وارد آوردن مجازات حبس بر او گامی مهم و عملی برای رویارویی با ریسک ارزیابی شده اوست.



۶.۱.۲. نظارت بر مجرمین سابقه‌دار

این مفهوم در نظام کیفری ایران در هنگام اعتبار و حاکمیت قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز وجود داشت. چرا که بر پایه ماده واحده الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه نظارت بر مجرمین سابقه دار مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷، کسانی که به دلیل ارتکاب جرم عمدی حداقل دو بار سابقه محکومیت مؤثر داشته باشند در صورت ارتکاب جرم عمدی دیگر، دادگاه رسیدگی کننده ضمن صدور حکم می‌تواند به تناسب سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و شخصیت محکومان و علل وقوع جرم، آنان را برای مدتی که از دو سال متجاوز نباشد به اجراء یک یا چند دستور از دستورات موضوع ماده (۲۹) این قانون ملزم نماید.

البته در ق.م.ا ۱۳۹۲ چنین مقرره‌ای به چشم نمی‌خورد. با این وجود در ماده ۲۳ این قانون مقرر شده است: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید...» از این ماده بر می‌آید که قانونگذار با درک ریسک در مرتکبان جرایم محکوم به مجازات‌های یادشده و تفاوت آنها با برای نمونه، مرتکبان تعزیرات درجات هفت و هشت که در ادبیات جرم‌شناختی مرتکبین جرایم خرد به شمار می‌آیند، میان بزه‌کاران پرریسک و کم‌ریسک تفاوت قائل شده است.

۷.۱.۲. حذف فیزیکی تدریجی بزه‌کاران

یکی از مهم‌ترین نمودهای پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در ایران را باید حذف فیزیکی تدریجی آنها یا اعدام در صورت چند بار ارتکاب یک جرم دانست. در واقع، هنگامی که بزه‌کار چند بار مرتکب جرمی خشونت‌بار می‌شود، همه امیدها برای اصلاح و بازپروری او کمرنگ می‌شود. در این صورت، مناسب‌ترین گونه پشتیبانی از جامعه حذف فیزیکی اوست. این اندیشه در آغاز در قانون سه ضربه و اعدام در ایالت کالیفرنیا پیاده شد. به گونه‌ای که فرد پس از ارتکاب سه جرم شدید اعدام می‌شد.

در نظام کیفری ایران نیز نمونه‌هایی این گونه پاسخ‌دهی ریسک‌مدار دیده می‌شود. برای نمونه، در قلمرو جرایم مواد مخدر گاه در سومین بار و گاه چهارمین بار، مرتکب جرم به مجازات اعدام محکوم می‌شود.

۲.۲. قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز همانند قانون مجازات اسلامی با نوآوری‌های بسیاری در نظام دادرسی کیفری ایران شناخته می‌شود. این قانون نیز در برخی از نهادهای دادرسی کیفری، رهیافت مدیریت ریسک جرم را پذیرفته است که به گونه‌ای فشرده، به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود. پیش از اشاره به این بحث باید خاطر نشان شود که در واقع، از آنجا که آیین دادرسی کیفری دارای اصول بنیادین و از پیش تعیین شده‌ای برای تضمین حقوق بنیادین افراد است (جاوید، ۱۳۹۶: ۸۵)، به نظر می‌رسد که گاه این ضرورت اقتضا می‌کند که با پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم، میان مراجعان گوناگون به نظام دادرسی کیفری تفاوت گذارده شود. از همین رو اهمیت مطالعه رهیافت مدیریت ریسک جرم در قانون آیین دادرسی کیفری، پاسداری از حقوق بنیادین و اساسی طرفین پرونده کیفری است.

۲.۲.۱. قرارهای تأمین کیفری

مهم‌ترین ویژگی قرارهای تأمین کیفری در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، گسترش قلمرو و پیش‌بینی نمونه‌های نوینی از آنهاست. تردیدی وجود ندارد که مقام قضایی صادرکننده قرار تأمین کیفری می‌تواند در پرتو ارزیابی خود از ریسک‌های احتمالی ناشی از اتهام وارد شده و نیز خطر از دسترس خارج شدن متهم، به صدور آن اقدام کند.

در این باره می‌توان گفت که ریسک‌های موجود در برخی از عناوین اتهامی است که می‌تواند مقام صادرکننده قرار را به صدور قرار خفیف همانند التزام به حضور با قول شرف و یا قرارهای سنگین‌تر به‌ویژه بازداشت موقت رهنمون سازد. البته تفاوت در نوع قرارهای تأمین صادره بر پایه ریسک متفاوت در اتهامات مطرح شده توجیه می‌شود.

ماده ۲۵۰ ق.آ.د.ک نیز در همین راستا مقرر داشته است: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.» همچنین لازم است خاطر نشان شود که در راستای رهیافت مدیریت ریسک جرم، هنگامی که مقام صادرکننده قرار تأمین با کاربرد سنج‌های عینی به میزان ریسک‌های برخاسته از متهم و یا عنوان اتهامی پی برد، باید نوع قرار تأمین صادره را با آن میزان خطر، متناسب سازد. چرا که قانون‌گذار کیفری ایران همانند هر یک از دیگر آراء صادره، مرجع صدور قرار تأمین کیفری را مکلف به مستدل نمودن آن کرده است.

در میان قراردادهای تأمین کیفری یادشده در قانون که نسبت به قوانین پیشین از گسترش قابل توجهی برخوردار شده، پیگیری رهیافت مدیریت ریسک جرم در شدیدترین نوع آنها که قرار بازداشت موقت است، به روشنی دیده می‌شود. چرا که موارد یادشده در ماده ۲۷۳ که به مقام قضایی اجازه صدور قرار تأمین کیفری بازداشت موقت را می‌دهد، با بیشترین ریسک برای جامعه همراه است.

باتوجه به این مراتب به نظر می‌رسد که استفاده از قراردادهای تأمین کیفری به‌عنوان یکی از راهبردهای مدیریت ریسک جرم که با توسعه‌گرایی نظام دادرسی کیفری ایران در ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ همراه شده است، گونه‌ای تدبیر توان‌گیر است که البته باید با توجه به مؤلفه‌هایی همانند سن، جنسیت، شخصیت و... به صورت فردی اعمال شود تا از این راه جامعه از گزند گرایش‌های ستیزه-جویانه اجتماعی بزه‌کاران در امان نگاه داشته شود.

فردی‌سازی قراردادهای تأمین کیفری پیوندهای استواری با رهیافت مدیریت ریسک دارد. چرا که مقام صادرکننده باید به طور مستدل قرار صادره را به میزان ریسک استنباط‌شده از کنش‌های متهمان ارتباط دهد. در غیر این صورت راه برای اعتراض متهم و نقض آن باز است.

۲.۲.۲. اصل مقتضی بودن تعقیب

یکی از اصول پذیرفته شده در دادرسی کیفری، پذیرش تفکیک میان مقتضی بودن و الزامی بودن تعقیب است. بر این پایه، نظام دادرسی کیفری باید تصمیم بگیرد که آیا پیگرد همه جرایم با هر درجه از شدت در دستور کار قرار دارد یا این که برخی از آنها به دلیل شدت و در نتیجه خطر کمتر، حساسیت‌های تعقیبی چندانی را پدید نمی‌آورند. آشکار است که پذیرش این دسته‌بندی پیوندهای آشکاری با مفهوم مدیریت ریسک جرم دارد. زیرا ملاک پیاده‌سازی هر یک از این دو رهیافت، میزان ریسکی است که از مرتکبان جرایم پیش‌گفته استنباط می‌شود.

با مطالعه نظام دادرسی کیفری ایران می‌توان به جلوه‌هایی از اصل مقتضی بودن تعقیب دست یافت که همان‌گونه که پیشتر گفته شد، بدین مفهوم است که جامعه، ریسک چندانی را از متهمان به ارتکاب این عناوین مجرمانه احساس نمی‌کند و حتی ممکن است بر این باور باشد که پیگرد آنها ممکن است خود به پیدایش ریسک‌های بسیاری نیز برای جامعه بیانجامد. برای نمونه، ماده ۸۱ ق.آ.د.ک در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ با وجود شرایطی اختیاری تعلیق تعقیب را از شش ماه تا دو سال به دادستان داده است.

۳.۲.۲. برپایی دادرسی‌های اختصاصی کیفری

یکی دیگر از جلوه‌های ریسک‌مدار در نظام دادرسی کیفری کشورمان، دادرسی‌های اختصاصی کیفری است. از این دیدگاه، تمایز دادرسی پیش‌گفته از دادرسی‌های کیفری عمومی از جمله در پرتو رهیافت مدیریت ریسک جرم به خوبی درک می‌شود. در ادامه به مطالعه جایگاه رهیافت یادشده در گونه‌های دادرسی‌های اختصاصی کیفری ایران پرداخته می‌شود.

۴.۲.۲. سامانه دادرسی نظامی

دادرسی نظامی در کشورمان دارای پیشینه‌ای است که از همان آغاز نیز پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم را به خوبی نشان می‌دهد. مطالعه این پیشینه نشان می‌دهد که هم پیش از انقلاب و هم پس از آن، رهیافت یادشده در قبال بزه‌کاران و یا جرایم نظامی آشکارا اعمال شده است. قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ اولین قانون مربوط به دادرسی نظامی در کشور ما بود. سامانه دادرسی نظامی در دوران پیش از انقلاب بخشی از ارتش به شمار می‌رفت، در حالی که در جمهوری اسلامی، سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از قوه قضاییه انجام وظیفه می‌کند. در مقایسه این دو باید گفت که اگرچه ترتیب گذشته با رویکردهای بین‌المللی آیین دادرسی کیفری سازگار است و در کشورهای غربی، دادستانان ارتش و پلیس خود از کارکنان نیروهای مسلح هستند که در عین حال، رسالت رسیدگی به اتهامات نظامیان را نیز بر عهده دارند، به نظر می‌رسد که واسپاری دادرسی‌های نظامی به نظامیان به دلیل ماهیت سازمان‌های نظامی، در عمل به شدت‌گرایی کیفری بیشتری نسبت به آنان بیانجامد که دست‌کم در برخی از نمونه‌های خود در پیوند با بزه‌کاران با ریسک بالا به عنوان جلوه‌ای از رهیافت مدیریت ریسک جرم نیز به نظر می‌رسد.

به طور کلی به دلیل آن که بزه‌کاران نظامی ممکن است در مقایسه با بزه‌کاران غیرنظامی ریسک بیشتری را برای جامعه و یا نظام عدالت کیفری پدید آورند، این راهبردهای شدت‌گرایانه نسبت به آنها در پیش گرفته شده است.

در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ نیز می‌توان به مواردی برخورد که با عنوان در حکم محاربه جرم‌انگاری شده‌اند. تردیدی وجود ندارد که این جرم-انگاری احاله‌ای و پیش‌بینی مجازات سنگین تعیین شده برای محارب دربارۀ مرتکبین نظامی رفتارهای یادشده تنها به دلیل احساس ریسک فراوان جامعه از این دسته از بزه‌کاران قابل توجیه است.

از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره کرد که به دلیل همین برداشت ریسک فراوان دولت‌ها از سوی بزه‌کاران نظامی و احتمال بالای در پیش گرفتن رویکردهای شدت‌گرایانه کیفری نسبت به

آن‌هاست که در حقوق کیفری بین‌المللی نهادهای حمایتی ویژه‌ای همانند منع استرداد مجرمین نظامی به چشم می‌خورد. زیرا امکان دارد که بر پایه مدیریت ریسک جرم، دادرسی عادلانه را درباره آنان به گونه‌ای کم‌رنگ جاری سازند.

در نظام قضایی رژیم پیشین، استفاده از دادگاه‌های نظامی برای محاکمه بزه‌کاران غیرنظامی نیز نشان‌دهنده میزان ریسکی بود که از سوی این افراد احساس می‌شود. برای نمونه، پس از سرنگونی دولت قانونی مصدق، سران غیرنظامی دولت او با وجود مخالفت با بنیادهای دکتترین بین‌المللی آیین دادرسی کیفری در دادگاه نظامی رژیم محاکمه شدند.

افزون بر این باید خاطرنشان ساخت که از دیرباز پذیرفته شده که بزه‌کاران نظامی همانند مجرمین سیاسی غیرقابل استرداد هستند. یکی از مهم‌ترین دلایل پیش‌بینی این نهاد ارفاقی در حقوق جزای بین‌الملل، پیاده‌سازی اغلب افراطی نظریه مدیریت ریسک جرم درباره مجرمین یادشده و محروم نمودن آنها از بایسته‌های یک دادرسی منصفانه همراه با رعایت معیارهای حقوق بشری است. چرا که نظامیان در معرض خطر نادیده گرفتن دادرسی منصفانه و تحمل مجازات‌های شدیدتری هستند. از همین‌رو، عدم امکان استرداد این گروه از بزه‌کاران در حقوق جزای بین‌المللی پذیرفته شده است.

۲.۲.۵. سامانه دادرسی دادگاه انقلاب

سومین مرجع دادرسی کیفری اختصاصی در کشورمان، دادسرا و دادگاه انقلاب است. در هر یک از حوزه‌های قضایی و در معیت دادسرا و دادگاه عمومی آن حوزه، دادسرا و دادگاه انقلاب تشکیل می‌شود. صلاحیت موضوعی این مرجع قضایی نیز جرایمی را فرامی‌گیرد که همراه با ریسک بالایی به شمار می‌آیند.

با مطالعه سامانه دادرسی دادگاه انقلاب می‌توان دریافت که اتهامات یادشده در قلمرو صلاحیت موضوعی آن که در ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک بیان شده‌اند، دارای ریسک استنباط‌شده بیشتری نسبت به دیگر جرایم عمومی برای جامعه هستند. برای نمونه، توهین به مقام بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و نیز مقام رهبری به دلیل اهمیت جایگاه این مقام در ساختار حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران، خطرات آشکاری را از سوی مرتکب برای جامعه هویدا می‌سازد.

امروزه نظرهایی در مخالفت با تداوم کار این دادگاه‌ها مطرح شده است. گفته می‌شود که با گذار از دوران آغازین جمهوری اسلامی و تثبیت حاکمیت نظام دیگر نیازی به وجود این مراجع نیست و اصول بنیادین آیین دادرسی کیفری اقتضا می‌کند که متهمان به ارتکاب جرایم گوناگون در دادگاه‌های عمومی محاکمه شوند. اما پیش‌بینی وجود ریسک بیشتر در این دسته از بزه‌کاران در مقایسه با بزه‌کاران دیگر و احتمال تحقق ریسک بیشتر از سوی آنان در آینده می‌تواند به‌عنوان توجیهی برای

تداوم عملکرد این مرجع مطرح شود. زیرا جرایم جای‌گرفته در صلاحیت دادگاه انقلاب، ریسک بسیاری را برای جامعه فراهم می‌کند.

برای ارزیابی جایگاه نظریه مدیریت ریسک جرم باید به ماهیت جرایم جای‌گرفته در قلمرو صلاحیت موضوعی این مرجع کیفری نگریست. قاچاق مواد مخدر و کالا که یکی از جرایم پیش‌گفته است، به ویژه در پرتو روندهای جهانی شدن بزه‌کاری و گستردگی ارتکاب بزه‌کاری‌های فراملی مخاطرات بسیاری را برای جوامع پدید آورده است. کشورمان نیز که از دیرباز به‌عنوان راه‌انتقال مواد مخدر تولیدشده در بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده آن در جهان-افغانستان-شناخته شده، رویکردهای ویژه‌ای را در سطوح گوناگون برای مدیریت این روند مجرمانه بسیار خطرناک در پیش‌گرفته است. پیشگیری‌های جرم‌شناختی گوناگون از ارتکاب قاچاق مواد مخدر در کشورمان، پیش‌بینی دادسرا و دادگاه انقلاب برای رسیدگی به این جرم و نیز تصویب قانونی با ویژگی شدت‌گرایی کیفری همانند قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ با اصلاحات آتی آن، نشان‌دهنده درکی است که کنشگران نظام عدالت کیفری ایران از ریسک جرم‌شناختی موجود در جرایم قاچاق و به ویژه قاچاق مواد مخدر دارند.

۲.۲.۶. راه‌اندازی بانک داده‌های بزه‌کاران پریسک

یکی از نوآوری‌هایی که در پرتو بهره‌گیری از تجارب عملی نظام‌های کیفری دیگر کشورهای جهان به کشورمان راه یافته، تشکیل بانک داده‌های مرتبط با جرایم بزه‌کارانی است که به طور کلی به عنوان بزه‌کاران پریسک شناخته می‌شوند.

در این راستا باید به دستورالعمل اجرایی «کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار» مصوب رییس وقت دستگاه قضایی کشور اشاره کرد که در صدر آن آمده است: «... به منظور شناسایی، تشکیل بانک اطلاعاتی روزآمد، اطلاع از آخرین وضعیت حبس، رهایی و آزادی، اشراف اطلاعاتی و رصد اقدامات و سلب هرگونه تحرک و اقدام سوء، پیشگیری از تکرار جرم و افزایش هزینه ارتکاب جرم مجدد در راستای اصلاح رفتارهای مجرمانه مجرمان سابقه‌دار، حرفه‌ای و خطرناک و ایجاد هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهایی که با این مجرمان در ارتباط هستند، «دستورالعمل اجرایی کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار»، ابلاغ می‌شود.»

این دستورالعمل که یادآور قوانینی همانند قانون مگان ۱۹۹۶ در ایالات متحده برای نظارت پسامحکومیت بزه‌کاران جنسی است، خود یکی از نمونه‌های تشکیل بانک داده‌های بزه‌کاران پریسک به شمار می‌آید. البته این تکلیف آشکارا در قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان نیز جلوه‌گر شده است.^۱

۱. ماده ۴۸۸ این قانون مقرر می‌دارد: «در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود:

همچنین پیش‌بینی مشابهی نیز در ماده ۴۰ اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به چشم می‌خورد که مقرر داشته است: «وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه ای و بین‌المللی قاچاق سازمان یافته مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آنها با حکم دادستان کل یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام نماید.» در این ماده قانون‌گذار وزارت اطلاعات را به طور کلی مکلف به جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص شبکه‌های اصلی منطقه ای و بین‌المللی قاچاق سازمان یافته مواد مخدر نموده است که لازمه جمع‌آوری اطلاعات استفاده و بهره‌گیری از ابزار الکترونیکی می‌باشد. (حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۴) با توجه به مخاطرات استنباط‌شده از ارتکاب جرایم سازمان یافته، بی‌گمان جرایم یادشده با ریسک بالا شناخته می‌شوند و از همین رو، تشکیل بانک داده‌های آنها مقرر شده است.

۲.۲.۷. توجه به ریسک جرم در احضار، جلب و تحقیق جرایم

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم را در نظام دادرسی کیفری ایران باید در هنگام جلب متهمان دانست. با آن که بر پایه اصول دادرسی کیفری در آغاز باید متهمان را احضار و در صورت حضور نیافتن آنها را جلب کرد، در برخی از جرایم به تصریح ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک که دارای ریسک بالایی هستند، این ترتیب وجود نداشته و از همان آغاز باید متهم را جلب کرد. بی‌گمان تمایز پیش‌گفته بر پایه استنباط ریسک بیشتر ناشی از جرم و یا عوامل دیگر در برخی از متهمان نسبت به متهمان دیگر است. افزون بر این در تبصره ماده ۳۹۱ این قانون نیز آمده است: «تبصره - چنانچه در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند.»

سرانجام بر پایه تبصره ماده ۵۰۰ این قانون نیز در صورتی که قاضی اجرای احکام کیفری بیم فرار یا اخفای محکوم علیه را داشته و بدین ترتیب در مقایسه با دیگران محکومان که مشمول صدر این ماده هستند ریسک بیشتری را از آنها استنباط کند، می‌تواند از همان آغاز و بدون احضار، به جلب آنها اقدام کند.

الف - ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری» بند اول این ماده آشکارا بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم بوده و امکان نظارت نظام عدالت کیفری را بر بزه‌کاران پرخطر فراهم می‌کند.

۲.۲.۸. ساختارسازی‌ها و دادرسی‌های فوری و موقت

یکی از نمونه‌های پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام دادرسی کیفری ایران برپایی دادرسی‌هایی فوری، ویژه و موقت است که تاکنون کشورمان مواردی از آن را تجربه نموده است. برای نمونه در نیمه اول سال ۱۳۹۷ بحران اقتصادی کم سابقه‌ای کشور را در نوردید. قیمت دلار نزدیک به چهار برابر شد و بهای طلا نیز با جهشی این‌گونه مواجه گردید. در این شرایط، برخی از افراد با استفاده از رانت‌هایی ویژه در پی سوءاستفاده از شرایط و بیشینه‌سازی درآمدهای نامشروع خود برآمدند. در این دوره، رسانه‌ها اخبار بسیاری از کشف انبارهای محتکران کالاهای اساسی و موردنیاز مردم می‌دادند.

در پی این روند، رسانه‌ها و افکار عمومی از دستگاه قضایی خواستار شدت عمل در برابر متخلفان و نیز مجرمان اقتصادی بودند که با کنش‌های خود باعث پدید آوردن این شرایط دشوار بوده و یا با بهره‌جویی از آن به تشدید شرایطی که از توان بسیاری از شهروندان طبقه متوسط به پایین خارج بود، یاری می‌رساندند.

طبیعی بود که قوه قضاییه با شعار برخورد قاطع و فوری با پدیدآورندگان فساد اقتصادی وارد عمل شود. یکی از اولین وعده‌های دستگاه قضایی نیز برپایی دادرسی‌های ویژه و علنی محاکمه مفسدان اقتصادی بود. بنابراین، سازه قضایی حاکمیت کوشش داشت در پرتو این رویکرد ریسک‌مدار خود به آرام‌سازی شرایط اقتصادی کشور که تکانش‌های پدیدآمده در آن پیامدهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی بسیاری را به همراه آورده بود، یاری رساند. در این راستا باید به آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷/۸/۲۳ و نیز دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران مصوب ۱۳۹۸/۵/۱۹ رئیس قوه قضاییه اشاره کرد.

به باور نگارندگان، دادرسی‌های فوری و ویژه و نیز اسناد پیش‌گفته نمونه‌ای از کاربرد رهیافت مدیریت ریسک جرم در نظام دادرسی کیفری ایران هستند چرا که در حالت عادی و در رویارویی با جرایم دیگر، نظام دادرسی کیفری متعارفی در کشورمان وجود دارد و تنها جرایمی با ریسک بالا هستند که می‌توانند راه‌اندازی دادرسی‌های کیفری فوری و موقت را به این سبک توجیه کنند.

به عبارت دیگر، برای برپایی این گونه از دادرسی‌ها از یک سو باید ضرورت‌های ویژه و محسوس وجود داشته باشد تا گونه‌ای مشروعیت‌بخشی به آن از سوی دستگاه قضایی پدید آید و از سوی دیگر با نمایش قوی رسانه‌ای آن کوشش می‌شود که از ارتکاب جرایم و یا تخلفات مشابه آنها پیشگیری شود. در این روند مشروعیت‌بخشی کوشش می‌شود که افکار عمومی ارتباط معقولی را میان ریسک برآمده از جرایم با واکنش کیفری رسمی برقرار کند.

با توجه به این توضیحات می‌توان بر این باور بود که دادرسی‌های فوری یادشده از یک سو بر ریسک دریافت‌شده و استنباط‌شده کنشگران نظام دادرسی کیفری از کنش‌های مجرمانه مورد نظر استوار بوده و از سوی دیگر، به منظور مدیریت این ریسک به ویژه از دید افکار عمومی سازماندهی می‌شوند. از همین رو به باور ما، دادرسی‌های فوری یادشده که همان‌گونه که گفته شد در برخی از موارد بدون رعایت قواعد پذیرفته‌شده دادرسی کیفری انجام می‌گیرد. نمونه‌ای بارز از پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم است که در دهه‌های گذشته و در برابر برخی از چالش‌های آشکار امنیتی و اقتصادی، نمونه‌هایی از آنها از سوی نظام دادرسی کیفری ایران در پیش گرفته شده است. تردیدی وجود ندارد که دادرسی‌های فوری با مبانی حقوق بشر و نیز اصول پذیرفته‌شده دکترین بین‌المللی آیین دادرسی کیفری مغایرت دارد. از همین رو از یک سو باید روی‌آوری به این دادرسی‌ها به کمترین میزان خود رسیده و تا آنجا که ممکن است دادرسی‌های کیفری به گونه متعارف و با پیش‌بینی حقوق و تضمینات بنیادین مربوط به دادرسی منصفانه سازمان داده شود و از سوی دیگر، حتی در صورت ضرورت استفاده از دادرسی فوری، باید نظارت و کوشش لازم برای پیگیری حقوق گوناگون طرفین پرونده کیفری و به ویژه متهم انجام شود. چرا که با وجود این که ریسک استنباط-شده از اتهامات موجود در یک پرونده کیفری به پیاده‌سازی دادرسی‌های فوری در برابر دادرسی‌های متعارف انجامیده است، اما باید در صورت اطمینان از مدیریت پیامدهای گوناگون برخاسته از آن اتهامات، شیوه دادرسی کیفری به گونه متعارف و مورد انتظار خود بازگردد.

۲.۳. متون قانونی دیگر

در برخی از قوانین کیفری پراکنده که در پرتو پدیده فنی‌شدن حقوق کیفری تدوین شده و هنوز هم دارای اعتبار هستند، می‌توان نشانگانی از رهیافت مدیریت ریسک جرم را دریافت. فنی‌شدن حقوق کیفری به مفهوم ارزش‌گذاری کیفری اقداماتی است که در پرتو گسترش کنش‌های انسانی و پیدایش پهنه‌های نوپدید در زندگی اجتماعی روی می‌دهند. از همین رو، مطالعات گوناگون حقوق کیفری باید با توجه به این دگرگونی‌ها نیز انجام شود.

برای نمونه، به موجب بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۶ تیرماه ۱۳۴۴، صدور قرار بازداشت موقت برای مرتکبین ضرب و جرح با استفاده از چاقو الزامی دانسته شده است. به نظر می‌رسد این پیش‌بینی در راستای ریسک جرم‌شناختی استنباط‌شده از این مرتکبان و به‌ویژه برای پیشگیری از پیامدهای آتی آن در نظام عدالت کیفری ایران نمود یافته است. به موجب تبصره ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک، موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ملغی است. با این وجود، بند ت این ماده نیز به

گونه‌ای محتوای قانون خاص یادشده را تکرار کرده است و بنابراین باید درباره مرتکبین ضرب و جرح با چاقو نیز همچنان صدور قرار بازداشت موقت را الزامی دانست.

افزون بر این، در قلمرو قانونگذاری مواد مخدر نیز می‌توان جلوه‌هایی از رهیافت مدیریت ریسک جرم را یافت. در این راستا، قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ مجلس شورای اسلامی آشکارترین نمونه از پیاده‌سازی رهیافت مدیریت ریسک جرم را در نظام عدالت کیفری ایران به نمایش گذاشته است. چرا که موارد صدور مجازات‌های سنگین اعدام و حبس ابد را به مواردی خاص محدود کرده و مجرمان همراه با ریسک کمتر را به مجازات‌هایی به جز آن دو محکوم کرده است. قانونگذار رویکرد مدیریت ریسک جرم را درباره مجرمان مواد مخدر بدین‌صورت پیاده ساخته است که برای مرتکبان استفاده‌کننده از سلاح، سردستگان، پشتیبانان مالی و نیز افرادی که از اطفال یا نوجوانان کمتر از ۱۸ سال برای ارتکاب جرایم خود استفاده می‌کنند، مجازات اعدام و برای افرادی به جز آنان که ریسک جرم‌شناختی کمتری را برای جامعه به همراه دارند، حبس‌های کوتاه-مدت تا بلندمدت را پیش‌بینی کرده است.

همچنین لازم است به قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ نیز اشاره نمود. از آنجا که عنوان جرم سیاسی و یا بزه‌کار سیاسی تا حدودی با مسامحه است و برخی از نویسندگان، بزه‌کاران یادشده را در مقام مقایسه با مرتکبان جرایم غیرسیاسی به دلیل دارا بودن انگیزه شرافتمندانه سزاوار دارا بودن سازوکارهای ارفاقی می‌دانند، می‌توان بر این باور بود که دسته‌بندی و جداسازی بزه‌کاران سیاسی از غیر آنها در دکتترین علوم جنایی بر پایه رهیافت مدیریت ریسک جرم بوده است. بزه‌کاران سیاسی از دیرباز از ارفاقاتی همانند منع استرداد، برگزاری محاکمه به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه و ... برخوردار بوده‌اند و این امر می‌تواند بدین‌صورت توجیه شود که ریسک کمتری از آنها برای جامعه و در مقایسه با بزه‌کاران غیرسیاسی که با انگیزه‌های خودخواهانه و نه دیگرخواهانه مرتکب جرم می‌شوند، پدید می‌آید.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام‌های عدالت کیفری، مدیریت چالش‌های بزه‌کارانه‌ای است که در جامعه و در سطوح گوناگون روی می‌دهد. هر یک از این نظام‌ها، پاسخ‌های گوناگون خود را در برابر بزه‌کاری بر پایه ساختارهای جامعه، آموزه‌های به دست آمده از پژوهش‌های دانشگاهی نظری و کاربردی و نیز روندهای هم‌پیوند با جهانی شدن حقوق کیفری و جرم‌شناسی سازمان می‌دهند.

مدیریت ریسک جرم رهیافتی است که به‌ویژه پس از جهانی شدن امواج بزه‌کاری و گسترش بزه‌کاری‌های سازمان‌یافته در سرتاسر جهان در پیش گرفته شده و همواره بر گستردگی قلمرو و



رویکردهای ساختاری آن نیز افزوده شده است. تا بدانجا که امروزه و در سپهر سیاست‌های جنایی ملی و فراملی، می‌توان آشکارا به وجود رهیافتی متمایز به نام مدیریت ریسک جرم باورمند بود.

در این راستا، دیگر گفتمان‌های موجود در پیشینه دانش‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی همانند اصلاح و بازپروری بزه‌کاران به کنار نهاده شده و به جای آن کوشش می‌شود که با سنجش میزان مخاطرات احتمالی آتی یک فرد برای جامعه، به مدیریت این ریسک برای ایمن نگاه‌داشتن جامعه از پیامدهای بزه‌کارانه آن اقدام شود.

نظام کیفری ایران نیز در تحولات خود در آغاز دهه ۹۰ خورشیدی، افزون بر روی‌آوری به رهیافت‌هایی همانند بازپروری بزه‌کاران، رهیافت مدیریت ریسک جرم را نیز در دستور کار خود قرار داده است که در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و نیز برخی از قوانین کیفری پراکنده دیگر می‌توان به جلوه‌هایی از آن دست یافت. بنابراین با پذیرش این رهیافت، کاهش ریسک جرم‌شناختی برخی از بزه‌کاران برای جامعه در شماری از نهادهای کیفری نوین یا نهادهای کیفری سنتی دگرگون‌شده در دستور کار مدیریت عدالت کیفری کشورمان قرار گرفته است.

همچنین در چارچوب پدیده فنی شدن حقوق کیفری در ایران نیز می‌توان به جلوه‌هایی گوناگون از رهیافت مدیریت ریسک جرم برخورد کرد. شماری از قوانین کیفری در حوزه‌های گوناگون کنشگری شهروندان با این هدف تصویب می‌شوند که مخاطره‌آمیزترین رفتارهای انجام‌شده در آنها را با پاسخ‌های عمدتاً واکنشی کیفری همراه سازند.

افزون بر این، یکی از مهم‌ترین دلایل ضرورت توجه به رهیافت مدیریت ریسک جرم و بایسته‌های پیاده‌سازی آن در نظام کیفری کشورمان، گفتمان اصلاح و بازپروری و از جمله در پیش گرفتن رویکرد روی‌آوری به نهادهای کیفری ارفاقی است که به گستردگی در ق.م.ا ۱۳۹۲ و نیز همتای حقوق شکلی آن دیده می‌شود. آشکار است که پیاده‌سازی این گفتمان و رویکرد یادشده درباره بزه‌کاران با ریسک بالا مجاز نیست و از همین‌رو، دست‌اندرکاران نظام کیفری کشورمان باید بکوشند با بهره‌گیری از سنجه‌های پذیرفته‌شده در رهیافت مدیریت ریسک جرم، همواره به ارزیابی ریسک برخاسته از گروه‌های گوناگون بزه‌کاری پرداخته و از این راه واکنش جامعه را در برابر آنان تعیین کنند.

ارزیابی کلی نظام عدالت کیفری کشورمان نشان می‌دهد که قانونگذار کیفری ایران آگاهانه و با رویکردی علمی به رهیافت مدیریت ریسک جرم پرداخته است. چرا که در قوانین کیفری ماهوی و شکلی سال ۱۳۹۲ می‌توان رهیافتی همانند اصلاح و بازپروری را آشکارا دید. پیاده‌سازی این رهیافت نیز با مدیریت ریسک جرم در پیوند است. چرا که رهیافت یادشده باید نسبت به مجرمین با ریسک اندک اعمال شود. در حالی که شدت‌گرایی کیفری در این قانون با توجه به میزان ریسک بالای مجرمان برای آنان پیاده می‌شود.

رهیافت مدیریت ریسک جرم به‌عنوان یکی از پاسخ‌های راهبردی نظام عدالت کیفری ایران در برابر امواج بزه‌کاری در دو قلمرو حقوق کیفری شکلی و نیز ماهوی چهره یافته است. از چشم‌انداز حقوق کیفری ماهوی، این رهیافت در نهادهای درجه‌بندی و تعیین مجازات‌های تعزیری، منع پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری نسبت به بزه‌کاران با ریسک بالا، تعیین کیفیات مشدده جرایم، حبس تعزیری در هنگام سقوط قصاص، نظارت بر مجرمین سابقه‌دار و حذف فیزیکی تدریجی بزه‌کاران بازتاب یافته است. در قلمرو حقوق کیفری شکلی نیز می‌توان در نهادهایی همانند قراردادهای تأمین کیفری، دادرسی‌های اختصاصی کیفری همانند دادرسی نظامی و نیز دادرسی دادسرا و دادگاه انقلاب، اصل مقتضی بودن تعقیب جرم، راه‌اندازی بانک داده‌های بزه‌کاران پرریسک، توجه به ریسک جرم در احضار و تحقیق از متهمان، ساختارسازی‌ها و دادرسی‌های فوری و موقت و نیز قوانین پراکنده همانند الزام به صدور قرار بازداشت موقت برای مرتکبین ضرب و جرح با چاقو، قوانین مواد مخدر و نیز جرم سیاسی رویکرد عملی قانونگذار کیفری ایران را به رهیافت مدیریت ریسک جرم دید.

به طور کلی باید خاطر نشان شود که بنیاد رهیافت مدیریت ریسک جرم این است که آشکار شود که کدامیک از رویکردهای عملیاتی نظام عدالت کیفری بیشتر ریسک را کاهش می‌دهد؟ پافشاری بر مجازات و یا واکنش‌هایی نوین همانند مجازات‌های جایگزین باید بر این پایه توجیه شود که چگونه و تا چه اندازه می‌توانند ریسک‌های برخاسته از جرایم گوناگون را مهار کنند. این رویکرد مدیریت‌گرایانه است که می‌تواند نظام عدالت کیفری را در دستیابی به مناسب‌ترین و اثرگذارترین رویکردهای مبارزه با ریسک جرایم یاری رساند.

منابع

قرآن کریم

- ابرین، مارتین، یار، مجید (۱۳۹۴)، **جرم‌شناسی: مفاهیم کلیدی**، برگردان سید محمود میرخلیلی و جلال‌الدین حسانی، چاپ اول، تهران: انتشارت بهنامی.
- بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «بزهکاران پیشینه‌دار، از سرکوبی بزهکاران خطرناک تا مدیریت خطر ارتکاب جرم»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۳، ص ۲۱۳-۱۸۳.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸)، **سیاست جنایی ریسک‌مدار**، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- پورمحمی آبادی، حسین و دیگران (۱۳۹۷)، «سیطره حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)»، **مجله پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۱۷، ص ۵۹-۳۳.

- جعفریان سوته، سیدحسین (۱۳۹۴)، «از عدالت کیفری امنیت‌مدار تا عدالت کیفری کرامت‌مدار(علل، راهکارها)»، **نشریه اندیشه‌های حقوق کیفری**، سال اول، شماره ۱، ص ۵۶-۳۵.
- حسین‌زاده، محمد و دیگران (۱۳۹۶)، «نظارت الکترونیکی بر مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار: مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه»، **مجله کارآگاه**، شماره ۴۰، ص ۱۲۶-۱۰۷.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، مصطفی‌پور، مسعود (۱۳۹۶)، «تلاقی اندیشه‌های جرم‌شناختی «بازپروری» و «ناتوان‌سازی» در قانون مجازات اسلامی ۹۲»، **مجله پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۱۵، ص ۱۳۴-۱۱۱.
- دارابی، شهرداد (۱۳۹۷)، **پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- درویشی، بابک، جلیلیان، محمدرضا (۱۳۹۴)، «میانجیگری: کارآمدترین روش جایگزین حل اختلاف برای تحقق عدالت ترمیمی»، **مجله تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۲، ص ۱۷۳-۲۰۵.
- عبداللهی، افشین (۱۳۹۲)، «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی»، **مجله مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱۳، ص ۱۷۲-۱۵۷.
- فرهمند، مجتبی، آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۵)، «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی»، **فصلنامه دانش انتظامی**، شماره ۷۲، ص ۹۱-۶۸.
- قاسمی کهریزسنگی، راضیه، فرجیها (۱۳۹۴)، «محمد، چالش عدالت و کارآیی در گفتمان مدیریت-گرایی کیفری با تأکید بر حقوق ایران»، **مجله آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۹، ص ۵۴-۲۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ایارگر، حسین (۱۳۹۳)، «نظارت بر مجرمان خطرناک: چالش‌ها و راهکارها»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۶، ص ۳۸-۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ ایارگر، حسین (۱۳۹۴)، **کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو؛ درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار**، در: **تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)**، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- نوبهار، رحیم، صیقل، یزدان (۱۳۹۶)، «ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک‌مدار»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۱۰۰، ص ۲۲۶-۱۹۷.
- نیازپور، امیر حسن (۱۳۹۴)، «حقوقی‌سازی یافته‌های جرم‌شناسانه در کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۷۲، ص ۲۵۹-۲۳۳.
- Garland, David (2017), *Theoretical advances and problems in the sociology of punishment*, *Punishment & Society*, Vol. 20(1) 8–33.
- _____, *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*, The University of Chicago Press, Chicago.



- He, Phill (2014), The politics of Numbers, Crime Statics in China, in The Routledge Handbook of Chinese Criminology, Routledge press, London and New York.
- Hinsley, Amy et al (2016), Tackling Illegal Wildlife Trade by Improving Traceability, Cited in: The Geography of Environmental Crime Conservation, Wildlife Crime and Environmental Activism, Edited by: Potter, Gary R et al, Palgrave Macmillan Press.
- Kemshall, Hazel (2008), Understanding the Community Management of High Risk Offenders, Open University Press, London.
- Mork Lomell, Heidi (2010), The Politics of Numbers Crime Statistics as a Source of Knowledge and a Tool of Governance, International Handbook of Criminology, Edited with Shlomo Giora Shoham, Paul Knepper and Martin Kett, CRC press, London.
- Travers, Max (2017), Asian Values, Crime and Social Change, Comparative Criminology in Asia, Springer Publication.
- McConville, Mike (2017), Comparative Criminology in Asia, Springer, First publication.
- Munchi, Jhon, Laughlin, Eughen (2013), The Sage Dictionary Of Criminology, 3rd edition, Sage publication, London.
- Piquero, Alex (2016), The Handbook Of Criminological Theory, Sage Publication, London.